

رواقیت را تمام کرد

ساجده ابراهیمی

روایت حاج حسین اسداللهی فرمانده لشکر آیت الله العظمی در مسجد اعظم کربلا

www.ketabo.ir

وفاقت را تمام کرد

روایت حاج حسین اسداللهی فرمانده

لشکر ۲۷ محمد رسول اللہ از شش شهید مدافع حرم



27 publications

یونسندہ ساجده ابراہیمی

دستور روزہ: محمد حسن روزی طلب

میں اور بالکل محسوس ہوتا ہے کہ

کتابشناسی سوریه: روح الله الباسی قراد

وہابیہ: محمد سجاد تقی، زادہ

مدیر هندی مهیار سیدھری

مطالعہ جلد و گرافک مہدی جاویدان

نویسندگان: / زمستان ۱۴۰۰

شمارگان ۱۵۵۵ نسخه

قیمت: ۲۷,۰۰۰ تومان

www.ketab

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولیعصر (عج) و خیابان فلسطین،

خیابان برادران شهید مظفر (سمای)، بن بست یکم، پلاک ۴.

کد پستی: ۱۴۱۶۹۳۵۸۴۴ • تلفن: ۶۶۹۶۴۰۶۹ - ۶۶۹۶۴۰۷۱

 @nashre27besat
 info@nashr27besat
 www.revayat27.com

ضمیمہ

۱۱	رضا فرزانہ
۳۷	حسین اسد اللہی
۴۱	اصغر فلاح پیشہ
۶۳	سید اسماعیل سیرت نیا
۷۹	قدیر سرلک
۹۱	مہدی ثامنی زاد
۱۰۹	محمد تقی ارغوانی

مقدمه

«رفاقت را تمام کرد» روایت حسین اسداللهی فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله از شش شهید مدافع حرم است. نتیجه گفت و گوهای که در طول سال های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ صورت گرفت، رضا فرزانه و اصغر فلاح پیشه و مهدی ثامنی راد و قدیر سرک و سید اسماعیل سیرت تیا و محمد تقی ارغوانی نیروهای تحت فرمان اسداللهی در هنگامه حضور در محاربات و عملیات حلب و آزادسازی نبل و الزهرا بوده اند. این روایت ها برهه ای کوتاه از آشنایی اسداللهی با آنها تا زمان شهادت شان بازگو می کند. اگرچه اسداللهی در قامت یک فرمانده چندروزی از زندگی این شهدا را روایت کرده است، آن چه برای خود او موضوعیت دارد، رفاقت و جنبه غیرنظامی دوستی اش با آنهاست. سابقه آشنایی او با رضا فرزانه به دوران دفاع مقدس برمی گردد. محمد تقی ارغوانی را از نوجوانی در پایگاه بسیج وردآورد می شناخته است. سید اسماعیل سیرت تیا و قدیر سرک، نیروی او در لشکر بوده اند و اصغر فلاح پیشه را تنها ۴۰ روز مانده تا شهادتش ملاقات کرده است. روایت او جزئیات زیادی دارد؛ جزئیاتی که بیانگر نگاه تیزبین و دقت یک فرمانده به تمام احوال و خلق و خوهای شخصیتی نیروهایش بوده است، اما او از بیان پیوند عاطفی خود و نیروهای تحت فرماندهی اش

غفلت نکرده و روایتی اول شخص با تمام زوایای پیدا و پنهان و بالا و پایین ها و تندى و لطافت ها و قهر و آشتی ها بازگو کرده است. یک سال و چندماه بعد از این گفت وگوها اسداللهی به دلیل عارضه شیمیایی و سرطان خون به شهادت رسید و بخش هایی از گفت وگوهایش درباره شهید تقی ارغوانی و مهدی ثامنیه راد نیمه گاره ماند. در عین حال که سعی کردم لحن و جنس روایت به لحن و گفتار اسداللهی نزدیک باشد، بخشی از اطلاعاتی را که درباره شهادت تقی ارغوانی و دیگر شهدا وجود داشت در روایت ها منعکس کرده ام. پس از شهادت اسداللهی نیز اطلاعات کمی که از او وجود داشت و محرمانه بودن نحوه و دلیل حضور او در سوریه سبب شد تا روایتی کوتاه با تکیه بر فعالیت های جهادی و رابطه اش با مردم ورد آورد داشته باشم.

آن چه پیش روست پیش از روایت یک فرمانده، روایت یک رفیق با سبش می رود است که خود را از آن ها جامانده می دانست اما برای رسیدن به آن داور نگ نکرد.

در پایان از نویسندگان و پژوهشگر تاریخ معاصر، جناب آقای حسن روزی طلب تشکر می کنم که فرمود این کار را در اختیار من گذاشتند.

ساجده ابراهیمی

تابستان ۱۴۰۰